



حسابداری، ابزاری در خدمت سرمایه

چهارچوب‌های مجموعه باشد. اگر چنین نباشد خیلی از قانون‌ها، چهارچوب‌ها و استانداردها زیر سؤال می‌رود و دچار هرج و مرج می‌شود و ضرر و زیان بیشماری را برای صاحبان سرمایه ایجاد می‌کند. تمامی فعالیت‌های این حرفه برای جلوگیری از به‌وجود آمدن احتمالی اینگونه اعمال که منتهی به ضرر و زیان‌های غیرقابل جبران به سرمایه صاحبان سرمایه می‌شود، صورت می‌پذیرد در همین راستا، حرفه‌ای

همانگونه که از ابتدای به‌وجود آمدن حرفه حسابداری، تعاریف گوناگونی برای آن ثبت شده است، چیزی که بیش از همه موارد به چشم می‌خورد، واژه‌های ثبت و بررسی معاملات مالی است؛ یعنی در تمامی ارکان و رده‌ها، افرادی که عضو یک مجموعه هستند و هر نوع عملی را مرتکب می‌شوند این اعمال اعم از خرید، فروش، قرارداد، امضای هرگونه اوراقی که بازخورد مالی دارد، آن مجموعه را به رعایت بسیاری از نکات موظف می‌کند که طبق

حجت باقی زاده

متشکل از افرادی متخصص و کاردان برای جلوگیری از به وجود آمدن کمترین بی‌قانونی در راستای قانون سرمایه‌داران و صاحبان سرمایه تشکیل شده است. تا اینجای مقال جای هیچگونه بحث و شبهه‌ای نیست زیرا حسابداری را به عنوان حرفه و علمی دانسته‌اند که در خدمت سرمایه است. با این وجود سؤالات و اشکالات از این به بعد به وجود می‌آید؛ آیا طرف مقابل حسابداران، فقط صاحبان سرمایه است یا سایر ذینفعان هم وجود دارند و آیا باید در تصمیم‌ها و روش‌ها ترتیب اثر داده شود؟

این ذینفعان چه کسانی هستند و چگونه در مباحث مالی شرکت دخیل هستند؟
۱- مالیات‌گیران (حاکمیت) با روش‌های مختلف خود

۲- محیط زیست (آب، خاک، حیوان، انسان و نسل آینده)

۳- سایر شرکت‌های فعال در حوزه رقابت

۴- نیروی انسانی شاغل

۱- مالیات

قانون و استانداردها ملاک‌هایی را برای ارزیابی و پاسخگویی اجزای صاحبان سرمایه در حوزه‌های مطروحه در نظر گرفته است و مباحث مکرری را در قانون مالیات‌ها داریم ولی همان‌گونه که کلیه منتقدان به قانون، بارها بیان کرده‌اند، قوانین ناقص است و بسیار راحت می‌توان از زیر بار سنگین این‌گونه قوانین خارج شد و لطمه‌ای نیز به خرد قانون وارد نشود. اینجاست که تمایز بین قانون و مجری پیش می‌آید و در همین راستاست که هیچ‌وقت حسابداران و صاحبان سرمایه خود را مکلف به رعایت قانون و استانداردها برای احقاق حق عموم جامعه نمی‌دانند.

بر همین منوال تئوریسین‌ها و قانون‌گذارها در پی یافتن چراها در قانون

و چگونه‌ها در اجرای قانون باشند تا بین قانون و مجری جدایی نیفتد.

با توجه به اینکه صاحبان سرمایه از اهداف خود که محافظت از سرمایه و افزایش آن است دوری نمی‌جویند، عدم توجیه‌پذیری صاحبان سرمایه از سوی قانون‌گذار و نبودن تقسیم عادلانه ثروت از سوی مراجع ذی‌صلاح برای دامن زدن به این‌گونه فعالیت‌های به دور از اخلاق نیز وجود دارد.

۲- محیط زیست (آب، خاک، هوا، حیوان، انسان و نسل‌های آینده)

سالیان سال است که نظریه‌پردازان، تفکرات خود را در جهان به کرسی قانون و استاندارد نشانده‌اند. زمانی که قوانین و استانداردهای مربوط به مباحث مالی مورد جستجو قرار می‌گیرد، می‌توان دید که در جاهایی از قوانین و استانداردها، تئوریسین‌ها ملزم به استفاده از تفکرات افراد حامی محیط زیست شده‌اند.

همان‌طور که در عبارتهای قبلی بیان شد هدف جامعه حسابداری با تفکرات حامی محیط زیست تمایز دارد. محیط زیستی که متشکل از آب، خاک، هوا، حیوان، انسان و نسل آینده است، در این میان است که تئوریسین‌های محیط زیست اجازه نمی‌دهند با هر روش، قانون و استاندارد، حقوق مالکانه صاحبان سرمایه افزایش یابد و حسابداران را ملزم به اطاعت از قانون‌ها و استانداردهای خود می‌کنند.

دانشمندان حوزه محیط زیست معتقدند که خیلی از شرکت‌ها با ایجاد خسارت‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست، اقدام به تخریب می‌کنند و برای جبران و اقدامات پیشگیرانه هیچ قانون و استاندارد موجود نیست تا شرکت‌ها یا

صاحبان سرمایه ملزم به رعایت آن باشند. همین سهل‌انگاری، باعث ورود دانشمندان حوزه محیط زیست را به مباحث مالی و مدیریتی شده است تا اجازه فعالیت را به شرکت‌هایی که خلاف چهارچوب‌های محیط زیست حرکت می‌کنند، ندهد.

این چنین عواملی باعث می‌شود که حسابداران از اینکه ابزاری در دست سرمایه باشند، خارج شوند. چه بسا که در شرایطی حسابداران دوباره از نقص قانون استفاده کنند و هدف‌های خود را در پیش گیرند اما استانداردها و قوانین است که جلوی فرار حسابداران را به سوی سرمایه بگیرد و از ابزاری بودن این حرفه جلوگیری کند.

۳- سایر شرکت‌های فعال در حوزه رقابت

در تمامی شرکت‌های فعال و برتر دنیا مباحث رقابتی شرکت با سایر رقبا مطرح بوده است و تمامی دانشمندان علم مدیریت و حسابداری با کمال افتخار در مطرح کردن تئوری‌های رقابتی خود هستند که باعث افتخارات آنان نیز شده است ولی مشکل یا به عبارت بهتر، بحران، آن زمانی اتفاق می‌افتد که با زیر پا گذاشتن مسائل اخلاقی و حرفه‌ای این استراتژی را در پیش رو بگیرند و بر آن جامعه عمل بپوشانند. البته مثال‌ها و موارد فراوانی نیز مبنی بر اثبات عدم رعایت مسائل اخلاقی و حرفه‌ای وجود دارد. به صورت کلی می‌توان به عباراتی مانند محصولات تراریخته، صنعت نایمن، آلودگی، عمر مفید، ایجاد ناهنجاری، شایعه پراکنی علیه شرکت‌های رقیب و... اشاره کرد. اینها همه و همه، عواملی هستند که حسابداران و سایر رده‌های مالی هیچگاه خود را دخیل در موضوع ندانسته‌اند ولی چنان‌که

مختلف دیده می‌شود نه تنها به این امر توجه نمی‌شود بلکه با روش‌های مختلف در پی از بین بردن ارزش این دارایی مهم هستند.

از عدم تصمیم‌گیری صحیح در نحوه‌ی گزینش افراد تا نحوه‌ی فعالیت و بهره‌گیری از نیروی انسانی و آموزش آنها در شرکت دچار ابهامات و مشکلات زیادی بوده است که این امر تنها زمانی خود را آشکار می‌کند که بخواهیم از اساسنامه‌ی شرکت تا صورت‌های مالی و خروجی شرکت را با شرکت‌های مشابه غربی مقایسه کنیم. در این میان باز خاطر نشان می‌شود که حسابداری در این میان ابزاری نیست جز ابزار دست سرمایه و در هیچ یک از گزینه‌های مطرح شده وارد نشده است و هیچوقت اعمالی را مشهود، بیان نکرده است و نیروی انسانی را همان مستمری بگیرانی تعریف کرده‌اند که در بهای تمام شده دخیل هستند و به روش‌های مختلف سعی در نادیده گرفتن آنها در راستای کاهش بهای تمام شده داشته‌اند.

با وجود اینکه علم حسابداری برای صاحبان سرمایه تبدیل به یک ابزار شده است ولی در ذات خود این توانایی را دارد که از این نوع ابزار بودن خارج شود و به مسائل کلی‌تر و استراتژیک بپردازد و این امر نیز بر همگان آشکار است که شرکت‌های پیشرفته و تراز اول، از خارج و داخل شرکت ایده می‌گیرند و در قالب‌های مختلف به این موضوعات می‌پردازند. این امر نشان می‌دهد که علم حسابداری باید بر روی چنین تئوری‌هایی تفکر و ایده‌پردازی کند و در نهایت در راستای ارائه راهکار اقداماتی صورت دهد تا اثبات شود که علم مالی، ابزار نیست و در راستای خرد جمعی جامعه در حال حرکت است. ■



کنند. این اتفاق بیانگر ارزش بالای نیروی انسانی حتی از وجوه نقد است و آنها اغراق کرده‌اند که نیروی انسانی در رده‌هایی بالاتر از همه‌ی دارایی‌ها در یک شرکت هستند پس باید مورد بازنگری در تصمیم‌های مدیریتی و مالی قرار گیرد چرا که شأن و ارزش این منبع بزرگ اگر در خور توجه قرار نگیرد باعث ایجاد ضلالت و گمراهی‌های فراوانی هم در حوزه‌ی مدیریت و هم در حوزه‌ی می‌شود. مباحث مربوط به نحوه‌ی ارزش‌گذاری و سایر موارد این حوزه توسط ایده‌پردازان بخش مالی در این بحث نمی‌گنجد؛ با این حال با توجه به اهمیت آن باید در ملاک‌های برتر در حوزه‌ی مالی و مدیریتی ترتیب اثر داده شود ولی چنان‌که در شرکت‌های

مشهود است در بطن و متن قضیه هستند و هیچگاه افشایی در این حوزه صورت نگرفته است مگر توسط قانون‌ها و استانداردها.

۴- نیروی انسانی شاغل

ترتیب چیدمان صورت وضعیت مالی در قسمت دارایی‌ها به صورت نقدشوندگی است و ابتدا وجوه نقد طبق استانداردهای آورده می‌شود ولی طبق استانداردهای کشورهای جهان اول چیزی که در ابتدای قسمت دارایی‌ها در صورت وضعیت مالی آورده می‌شود، ارزش منابع انسانی شرکت است. تئوری‌پردازان غربی معتقدند که دارایی، به خودی خود ارزشی ندارد مگر این‌که توسط نیروی انسانی اقدام به ایجاد ارزش برای شرکت